

اقتصاد رانتي و تشديد فساد و انحصار در خاندان پهلوي

۱۲ شهریور ۱۳۹۶ ساعت ۰۵:۵۱

از سال ۱۳۴۲ به بعد با افزایش قیمت نفت، شکل گیری اقتصاد رانتي و نوسازی اقتصادی از بالا، اقتدارگرایی حکومت تشديد گرديد و به موازات آن سوء استفاده از قدرت و فساد اقتصادی بیش از گذشته رواج یافت. ساخت اقتصادی ایران در دهه ۴۰ و ۵۰ و از نوع عمدتاً دولتي و رانتي بود ...

کافه تاريخ - مقاله تاريخي

مقدمه

فساد اقتصادی و مالی در نظامهای غیردمکراتیک از نوع سیستمی و نظام مند است؛ زیرا ساختار سیاسی و اقتصادی این نظامها، فاقد نظام نظارتی - کنترلی رسمی یا مدنی قوی است. از اینرو مشخصه های بارز نظام سیاسی و اقتصادی پهلوي دوم را می توان در ساخت اقتصاد رانتي، نوسازی اقتصادی از بالا و مکانیسمهای اعمال نفوذ سیاسی در سازوکارهای اقتصادی در دوره پهلوي دوم در فاصله سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ مورد بررسی قرار داد. در ایران خودکامگی حکومت، وابستگی طبقات به حکومت، انحصارات فزاینده دولت در اقتصاد و فرهنگ تابعیت منجر به استقلال دولت از جامعه و گسترش فساد اقتصادی و پیروگرایی گردیده است. فساد اقتصادی، اداری و سیاسی در ذات و جوهره نظام های سیاسی پاتریمونیال ایران بوده است. در مقطع تاریخی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ با

شکلگیری نوعی فضای باز سیاسی و دموکراسی نیم بند، نوعی گسست تاریخی شکل گرفت. غیرشخصی شدن حکومت از یک سو و تاکید برخی چهره ها و احزاب متعلق به جبهه ملی و دیگر تشکیلات بر اصلاحات دموکراتیک منجر به کاهش نسبی فساد اقتصادی به ویژه در دوران حکومت مصدق شد. پس از سقوط دولت مصدق، شاه بازیگر اصلی شد و به سمت اقتدارگرایی حرمت کرد. از سال ۱۳۴۲ به بعد با افزایش قیمت نفت، شکل گیری اقتصاد رانتي و نوسازی اقتصادی از بالا، اقتدارگرایی حکومت تشديد گرديد و به موازات آن سوء استفاده از قدرت و فساد اقتصادی بیش از گذشته رواج یافت. ۱. دهه ۱۳۴۰ به بعد رانت جویان متنفذ خانواده سلطنتی، فرماندهان نظامی، کارمندان عالی رتبه و دیگر افراد متنفذ سیاسی به راحتی به امتیازات، تسهیلات اقتصادی و رانتها دسترسی داشتند و به این منظور به رقابت شدید پرداختند.

نمای کلی از وضعیت اقتصادی ایران در دهه پایانی حکومت پهلوی دوم

ساخت اقتصادی ایران در دهه ۴۰ و ۵۰ و از نوع عمدتاً دولتی و رانتیر بود. هر کشوری که بیش از ۴۲ درصد کل از کل درآمد سالیانه اش ناشی از فروش منابع معدنی و زیرزمینی یا منابع خارجی باشد از اقتصاد رانتی برخوردار خواهد بود. سهم نفت از کل درآمدهای دوبر در آغازین سالهای دهه ۱۳۴۰ بیش از ۴۳ درصد بود و این رقم در سال ۵۴ به ۷۸ درصد افزایش یافت. ۲ در گستره تاریخی ایران، دولت به دلیل تملک انحصاری بر بخش عمده زمینهای حاصلخیز و منابع معدنی؛ نسبت به طبقات جامعه از استقلال برخوردار بوده است. افزایش قیمت نفت در دهه ۱۳۴۰ و چهار برابر شدن قیمت آن در فاصله سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ بیش از گذشته دولت را فراطبقاتی ساخت و طبقات را به دولت وابسته نمود. در این دو دهه نیاز و وابستگی دولت به مالیاتهای کمتر شد. از آنجا که دولت تنها دریافت کننده درآمدهای فزاینده نفتی بود، این به افزایش تمرکز اقتصادی و ثروت در نزد دولت و تشدید استبداد انجامید که کاتوزیان از آن به عنوان استبداد نفتی یاد می کند. در این دو دهه پایه های نظامی، بوروکراتیک، خدماتی و پایه منافع خصوصی دولت، صاحبان قدرت بیش از پیش تقویت شد و در جهت عکس، شکاف دولت - ملت و بحران مشروعیت تشدید شد در این بستر بود که روابط حمایتی فاسد و فساد اقتصادی گسترش یافت، شاید خلاء مشروعیت را پر کرده و حکومت را تثبیت کند. ۳

خودکامگی ساخت اقتصادی ایران و شکل گیری اقتصاد رانتی

همانطور که اشاره شد درآمدهای فزاینده نفتی دست دولت را برای تزریق ثروت، رانتها و تسهیلات غیرقانونی به دوستان، حامین و افراد قدرتمند بازگذاشت و چنانکه اشاره شد تعلق این درآمدها به دولت و قدرت شخصی غیرپاسخگو، جایی را برای کنترل و محاسبه باقی نمی گذاشت. هانتیگتون بر این باور است که وابستگی به نفت در خاورمیانه، سلطه دیوانسالاری فاسد و غیرپاسخگو را تقویت می کند. درواقع نفت به عنوان عامل تحکیم حکومت استبدادی فاسد و غیرپاسخگو مطرح می شود. البته این نظر را به طور درستی نمی توان پذیرفت؛ اما ابعاد مهمی از واقعیت را بیان می کند که از حوصله این مقاله خارج است. بیشتر نظریه پردازان بر این نظرند که ثروت نفتی و اقتصاد رانتی به نوعی نظام حامی - پیرو فاسد می انجامد. در اقتصاد رانتی شاه به بزرگترین سرمایه گذار در داخل تبدیل شد و بیشترین میزان فساد اقتصادی نصیب شاه و خانواده سلطنتی، همسر، خواهر و برادرهای شاه یعنی راس هرم می شد. شرکت ملی نفت که مدیر عامل آن منوچهر اقبال بود، بخشی از درآمد نفت را محرمانه به حساب شاه واریز می کرد که در سال ۱۳۵۵ این مبلغ معادل یک میلیارد دلار بود. در این دو دهه فساد بسیار رایج تر و جسورانه تر از گذشته شد. کاتوزیان به نقل از ابتهاج رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه می نویسد: «شاه ارتش را ملک خود و درآمدهای نفتی را متعلق به خودش می دانست. در بسیاری موارد خودم وی را در تلویزیون دیدم که گفت من، پول نفت، من، درآمد من او به هیچ وجه معتقد نبود که درآمدهای نفت متعلق به مردم است. این جمله یادآور بحث نظری شخصی بودن قدرت است که شاه حکومت و منابع کشور را ملک شخصی خود تلقی میکرد و او را به فاسدترین مردم در راس هرم مبدل می ساخت.» ۴

رابرت گراهام بر این نظر است که پول و ثروت بیش از هر عامل دیگری سیمان ساختمان ظاهری حکومت شاه بود. بین ثروت شخصی شاه و دارایی مملکت تمایز عملی کمی بود؛ زیرا شاه خود را صاحب مملکت می دانست. این ابهام بیش از همه در شرکت ملی نفت ایران بود. شرکت یاده شده از ارائه فهرست پرداختی به شاه و بنیاد پهلوی خودداری می کرد. گفته می شود محمدرضا و همسرش ۳۵ میلیارد دلار در سرمایه داشت و بخشی از سهام ۳۰ تا ۵۰ درصد بانکهای خصوصی را به خود اختصاص داده بودند. ۵ حسین فردوست به عنوان چشم و گوش شاه و رئیس دفتر ویژه و بازرسی شاهنشاهی، گوشه هایی از فساد اقتصادی پهلوی دوم را در خاطرات خود آورده است. به گفته وی، در هنگام خروج رضاشاه کلیه اموال او به محمدرضا منتقل شد. تنها عایدات املاک شمال سالی ۶۲ میلیون تومان بود. وی ثروت را حیف و میل می کرد؛ برای مثال برای یک معشوقه ممکن بود برای هر شب یک میلیون تومان بدهد. شاه در معاملات خارجی به ویژه معامله های اسلحه سود کلانی را نصیب خود می ساخت. برای مثال ارتشبد حسن طوفانیان که به مدت ۱۰ سال واسطه خرید اسلحه بود، در معاملات کوچک ۵ درصد و معاملات بزرگ ۲ درصد سود کسب می کرد و بخش زیادی از سود را شاه دریافت می کرد. به گفته فردوست امریکاییها برای جلوگیری از مواجه شدن با رسوایی به مراتب بزرگ تر از واتر گیت، طوفانیان را از ایران فراری دادند. سالانه یک سوم از کل هزینه های کشور مربوط به مخارج ارتش و پلیس بود و سالی یک یا دو میلیارد دلار صرف خرید اسلحه و تجهیزات نظامی می شد. از این رهگذر سود بسیار زیادی نصیب شاه و نخبگان در قدرت می شد. فساد مالی عباس رمزی طلایی، فرماتده وقت نیروی دریایی آن اندازه زیاد بود که وی از مقام خود خلع و بازداشت شد و پس از پرداخت جریمه آزاد شد. ۶

خاندان پهلوی پس از شاه در راس فساد اقتصادی و رانت خواری بودند که عمدتاً از طریق بنیاد پهلوی، ثروت بیشماری نصیب خود ساختند. بنیاد پهلوی که به ظاهر بنیاد خیریه بود در سال ۱۳۳۷ جایگزین اداره مستغلات و املاک پهلوی گردید و جعفر شریف امامی ریاست بنیاد را به عهده گرفت. این بنیاد در عمل با تبدیل شدن به یک بنیاد خانوادگی و خصوصی نقش بسیار تعیین کننده ای در مال اندوزی و فساد اقتصادی خانواده پهلوی داشت. این بنیاد با در اختیار داشتن بانک عمران یکی از پایه های اصلی تجارت و سرمایه گذاری صنعتی در ایران بود. خانواده پهلوی با پیوند مستقیمی که با شخص شاه و یا بلندپایگان لشگری و کشوری و قوای سه گانه داشت، بخش عمده رانتهای حاصل از درآمد نفت را خودسرانه و بدون نظارت هیچ نهادی به خود اختصاص می دادند. این بنیاد در تمامی ابعاد زندگی مردم ایران نقش حیاتی داشته و پر قدرت ترین بنیاد اقتصادی مملکت بود. بنیاد پهلوی به نوشته گراهام فولر بنیاد به ظاهر خیریه و در عمل به صورت یک کانال مطمئن برای پرداخت مستمری ها، سرمایه گذاری و منبعی برای شرکتهای متعلق به شاه و خانواده سلطنتی بود. ۷

خانواده پهلوی با استفاده از سرمایه بنیاد پهلوی در بیشتر شرکتهای، کارخانه ها و بانکهای داخلی سهام دار بودند. دارایی بنیاد پهلوی در سال ۱۳۴۹ برابر با ۲/۸۰۰/۰۰ دلار بوده است. این بنیاد در دهه ۱۳۵۰ دارایی معادل ۳ میلیارد دلار داشه و در ۲۰۷ شرکت سهم داشته است و از ۶۳ شاهپور، شاهدخت، عمو، عمه، خاله و دایی زاده تشکیل می شد. ۴۵ نفر از خانواده پهلوی، ۸۵ درصد شرکتهای را در کنترل مستقیم یا غیرمستقیم داشتند. کاتوزیان بر این نظر است که دربار و بنیاد پهلوی که جزیی از آن بود، قانون فساد اقتصادی بوده و در سالهای پس از افزایش درآمد فساد به سطح میلیاردها دلار رسید. هزینه واقعی برخی پروژه های دولتی که به عنوان رانت به خانواد پهلوی و افراد قدرتمند داده می شد تا ۲۰ و ۳۰ برابر برآورد اولیه افزایش می یافت. علاوه بر شاه بنیاد

فرجام سخن

درمجموع اقتصاد رانتي و افزايش درآمدهای نفتی در دو دهه ۴۰ و ۵۰، ساخت تمرکزگزا و سلطانی قدرت سیاسی را تقویت کرده و آن را بیش از پیش در مقابل چالشهای سیاسی غیرپاسخگوتر ساخت این بستر به فساد اقتصادی گسترده در سطوح بالا، میانی و پایین هرم سیاسی ایران انجامید و دولت نیز تصدی گری خد بر اقتصاد را به عنوان اهرمی مهم جهت تحکیم پایه های شخصی خود گسترش داد.

پی نوشتها:

۱. خلیل الله سردارنیا، تبیین ساختارگرایی سیاسی - اقتصادی از فساد اقتصادی در ایران (پهلوی دوم ۱۳۵۷-۱۳۴۲)، پژوهشنامه علوم سیاسی، بهار ۱۳۸۶، شماره ۶، صص ۳۴-۳۵
۲. جان فوران، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، چاپ دوم، تهران، موسسه فرهنگی رسا، ۱۳۷۸، ص ۴۶۴
۳. مایکل راس، «آیا ثروت حاصل از منابع طبیعی به اقتدارگرایی می انجامد؟»، ترجمه احمد گل محمدی، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۸، شماره ۱۱، ص ۹۸
۴. محمدعلی کاتوزیان، تضاد دولت و ملت، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۱
۵. رابرت گراهام، ایران، سراب قدرت، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران، سحاب کتاب، ۱۳۵۸، ص ۱۸۷
۶. حسین فردوست، ظهور و سقوط پهلوی، جلد یکم، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۰، ص ۲۲۴
۷. گراهام، پیشین، ص ۱۹۱

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۶۲۴۲/رانت-اقتصاد-تشديد-خاندان-انحصار-فساد>